

و اطلاع ندارم و تحقیق میکنم می گذرد و هیچیک از او کلا و بنده هم که سه دوره باین سمت مفتخرم حاضر نیستم يك مطلبی را بگوئیم (در صورتیکه بنده رئیس کمیسیون خارجه هستم) آنوقت در افکار عامه و جراید و آن جرایدی که معلوم نیست از کجا اداره می شود و اگر دفتر بعضی اشخاص را بردارند توفیق کنند معلوم میشود خرجش از کجا می رسد بردارند بنویسند فلانکس يك حرفی زد رئیس دولت هم تکذیب کرد و او هم آنجا بود و نتواست جواب بگوید و توضیح بدهد آنوقت بگویند دیدید چه اشخاصی در مجلس هستند و چون آن جرات منیع چاپ شدنشان معلوم است و در مطبعه فاروس ششماه ششماه قبلا پول داده میشود و هیچ قانونی بآنها تعرض نمی کنند و آزادی منحصر بهمان روزنامه هاست فوراً باز مقالات جدید بنویسند بنابراین اگر آقایان جلسه را ختم میکنند بترتیبی که الان پیشنهاد ورأی داده شد بنده حق دارم از آقایان تقاضا کنم هر دستوری که معین می فرمایند عرایض بنده را در اول آن دستور مقرر فرمایند یعنی اگر حالا حوصله و وقت شنیدن عرایض بنده را ندارند و بنده هم نمی خواهم بر کسالت آقایان بیفزائیم اجازه بدهند در اول جلسه آتیه دولت هم حاضر باشد و بنده عرایض خود را بگویم زیرا این مطلبی که می گویم تلگرافش در کمیسیون خوانده شد که اعضایش آقایان حکیم الملک و مشیر الدوله و بنده و سردار معظم و نصرت الدوله

بوده ایم و در این موضوع مذاکرات مفصل شد و چون در تلگرافات ذکر شده پانزده هزار دلار هم از این محل پرداخته خواهد شد پانزده هزار دلار شوشتر هم جزء بودجه بود که بمجلس نیامد و جزء آن اعتبار چهل هزار تومان بود که مقرر شد حقوق شخص از آن محل داده بشود و این برخلاف صریح آن قانون است و بنده بشاهزاده نصرت - الدوله و آقای سهام السلطان در آن موقع عرض کردم و گویا بنا بود آقایان يك مذاکراتی فرمایند و حالا اگر بنده باز عرض کنم این صورت حساب برخلاف قانون است مدافعین کابینه خواهند فرمود فلانکس لاینقطع این حرفها را میزند ملاحظه فرمائید این صورت حسابهاست که چاپ شده است هیچ با آن قانونیکه از مجلس گذشته است مطابقت نمیکند زیرا قرار شد از آن محل چهل هزار تومان حقوق شخص داده نشود و دولت این صورت حساب حقوق شخص است این است نظر تعظیم و تکریم بمجلس البته اگر من این را بگویم خواهند گفت از نقطه نظر مخالفت با کابینه است البته شما که مدافع کابینه هستید شریک در اینکار های کابینه هستید بردارید این صورت حسابها را رسیدگی کنید و خودتان دفاع کنید حالا

درست نمیدانم عین آن عبارت را گفته ام یا نه خوب بود مطرح فرمایند و گویا موعدش نرسیده زیرا بنده هشتم است این سؤال را کرده ام و هنوز جواب داده نشده شاید آخر مجلس جواب بدهند بعد از همه این عرایض چون حق دارم مطلبیکه در کمیسیون خارجه گفته شده است اظهار کنم این را که با يك کلمه گفتند تکذیب میکنم این را جدا تکذیب میکنم تا معلوم شود تکذیب کننده کی است حالا که وقت گذشته نمیخواهم عرض کنم در اول جلسه مقدم بر دستور مقرر فرمایند عرض کنم

رئیس الوزراء - اولاً بنده وقتی يك مطلبی را تکذیب میکنم از روی اطلاع تکذیب میکنم نه بی مدرک و آقایان نمایندگان هم شاید يك مطالبی را میدانند باید بگویند وقتی من تکذیب کردم ایشان هم باید با مدارک آن تکذیب بنده را رد کنند بنده يك مرتبه دیگر با صدای بلند این اظهاری را که در مجلس شده است که صد و پنجاه هزار دلار از بابت حق دلالتی نفت گرفته شده است یا گرفته میشود یا خواهد شد تکذیب می کنم و اما اشتباهی که شاهزاده سلیمان میرزا کرده اند برای اطلاع آقایان محترم عرض میکنم حالا یاد آمد در موقعی که امتیاز نفت در کمیسیون خارجه تحت مذاکره بود تلگرافی از او شنیدم رسید که از بابت قرضی که دولت میخواهد از امریکا بکند در خصوص يك میلیون دلار و کیل مالبه ایران که شوشتر باشد میگوید دول دیگر از امریکا قرض میکنند صد يك حق العمل میگیرند ولی من نظر به سابقه که در خدمت ایران دارم صد يك نمیگیرم صد نیم میگیرم يك چنین تلگرافی بود و خوانده شد بعد بنده رفتم و کابینه آقای مشیر الدوله آمد و يك میلیون دلار گرفته شد بنده نمی دانم صد نیم آن يك میلیون دلار که هزار دلار میشود به شوشتر رسیده یانه؟ و اینکه شما میفرمائید شاید این مسئله بوده و اینکه میگوئید ۱۵ هزار دلار حق العمل امتیاز به شوشتر داده شده است اولاً حق العمل امتیاز بوده است و حق العمل فرض کرده است بلکه از بابت حقوق دوا این ۱۵ هزار دلار پرداخته شده است او من نمیدانم هزار دلار از بابت صد نیم باو رسیده است یانه؟ در هر حال موضوع سؤال این بود که عرض کردم حالا از ایشان سؤال میکنم آیا شایسته است حرفهایی که در کمیسیون خارجه صحبت میشود بمجلس بیاید.

نایب رئیس - در جلسه آتیه همانطور که اظهار شد اگر کسی حرف حسابی دارد بزند.
آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم مدافع فقط بودم
نایب رئیس - در جلسه آتیه اول جلسه

اظهار کنید
مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد.

رئیس مجلس - مؤتمن الملک
جلسه ۲۰۷
صورت مشروح مجلس
یوم شنبه بیست
دوم جلدی ۲۰۲ مطابق
بیست و پنجم جمادی الاول
مجلس دو ساعت و ربع
کم قبل از ظهر بر ریاست آقای
مدرس نایب رئیس تشکیل شد

(صورت جلسه یوم پنجشنبه
بیستم جلدی را آقای امیر
ناصر قرائت نمودند)
نایب رئیس - آقای نجات
(اجازه)

آقا میرزا محمد نجات -
اگر در صورت جلسه از کلمات و کلاء چیزی را حذف کنند و بنویسند اهمیت ندارد ولی اگر کلمه اضافه شود بد است و در نطق بنده يك لفظ (بعضی) اضافه نوشته شده است و چون من این کلمه را نگفته ام بهتر این است حذف شود

نایب رئیس آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - آقای رئیس -
الوزراء در جواب شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مسائل که در کمیسیون خارجه مطرح می شود نباید در مجلس علنی گفته شود
نایب رئیس - من نمی دانم ممکن است مسائلی را که از طرف شخصی در صورت جلسه می نویسند دیگری از آن دفاع کند یا خیر؟
(جمعی گفتند بلی ممکن است)

نایب رئیس - حالا که آقایان می فرمایند ممکن است پس مجدداً فرمائید
آقا سید یعقوب - بنده عرض کردم آقای رئیس الوزراء در جلسه گذشته در جواب شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مسائل کمیسیون خارجه بطور کلی نباید در مجلس علنی اظهار شود و این مسئله در صورت مجلس نوشته نشده است

نایب رئیس - در صوت جلسه دیگر فرمایشی بیست؟
(اظهاری نشد)

صورت جلسه بایک فقره اصلاح تصویب شد.

بموجب رأی که مجلس داده است داخل در دستور میشویم.
ماده چهاردهم - قانون امتیاز نفت مطرح است
سلیمان میرزا - بنده قبل از دخول در موضوع فقط باید عرایضم را عرض کنم.

نایب رئیس - اگر راجع بمطالب جلسه گذشته است دو نفر دیگر هم که یکی شاهزاده محمد هاشم میرزا و یکی هم آقای ارباب کیخسرو باشد اجازه خواسته اند ولی در مطالب متفرقه که مختص روزه شنبه است نباید داخل شد

سلیمان میرزا چنانچه در جلسه گذشته عرض کردم موضوعی را که بنده اظهار کردم و آقای رئیس الوزراء تکذیب کردند بنده باید ثابت کنم که تکذیب کننده کیست یعنی باید ثابت کنم عرضی که کرده ام با اساس بوده است یانه؟ و این مسئله دفاع شخصی است و باید عرض کنم و تصور نمیکنم آقایان هم مخالف باشند که عرایض بنده گفته شود با این حال باز بسته برای آقایان است اگر اجازه می فرمایند عرض کنم نایب رئیس - عرض کردم در این - موضوع دو پیشنهاد هم شده است فرمائید سلیمان میرزا - در جلسه گذشته - مذاکراتی شد و مطالبی بیش آمد که البته فراموش نشده است اولاً قبل از اینکه بنده داخل شوم در مطالبی که میخواهم عرض کنم خیلی متأسفم که آقای قوام السلطنه که ظرف مذاکره هستند تشریف ندارند گرچه آقای منصور الملک تشریف دارند ولی - بهتر این بود که رئیس الوزراء هم باشند مطالبی که پریروز اینجا گفته شد در صورت مجلس هم نوشته شده است مطالبی است که من باید یکی یکی توضیح دهم اولاً اینکه فرمودند من همه روز در مجلس هستم و اگر سوالی بشود جواب میدهم هر چند که شش ماه شش ماه جواب سؤالات را نمیدهند چنانچه تاریخ سوالی که بنده کرده ام بیست و یکم اسد است و هنوز موقع جواب آن نرسیده است و با اینحال پریروز بایک کلمه دفاع کردند که من همه روز در مجلس حاضرم و قصور از طرف خود شما است که مسائل را تعقیب نمیکنید حقیقتاً اگر اینطور باشد بعد از این من نباید این کلمه را بگویم که سؤال میکنیم و دولت برای جواب حاضر نمی شود.

این مسئله در مملکت مابیش از سایر نقاط معمول است که مسائل زود فراموش می شود شاید بنده هم که از اهل این مملکت هستم فراموش کرده باشم ولی هر چه فکر میکنم می بینم این مسئله را که عرض می کنم در خاطر هست چند روز قبل در همین مجلس آقای حائریزاده و بنده و آقای سدید الملک از آقای رئیس الوزراء سؤال کردیم و جواب سؤالات هیچیک از ماها را ندادند در حقیقت ما را قابل ندانستند که جواب بگویند شاید هم طوری جواب داده باشند که من نشنیده باشم و سایر آقایان شنیده باشند ولی من هر چه فکر میکنم جوابی از ایشان نشنیدم صورت مجلس هم حاضر است ممکن است مراجعه شده و صدق عرایض من معلوم شود علی ای حال آقای رئیس الوزراء

فرمودند قصور از طرف خود آقایان و کلاء بوده است در صورتیکه مطابق نظامنامه ما سؤالات را می نویسیم و برای هیئت دولت فرستاده می شود که برای جواب حاضر شوند .

در آخر مجلس هم وقتی می خواهیم سؤال کنیم میگویند وقت گذشته است آیا نصیرما است؟

این راجع بقسمت سؤالات که فرمودند یک قسمت دیگر که راجع به بنده بود و پریروز مفتخر شدم که اسم شاهزاده محمد هاشم میرزا را بخود گرفتم و بطور مثال فرمودند آقای حاج شیخ اسدالله و شاهزاده محمد هاشم میرزا بعد از آنکه در کمیسیون مذاکرات زیادی می شود و آقایان قانع می شوند و انگشتشان یادستان را بلند می کنند و می دهند و پس از آن که موضوع به مجلس آمد مجدداً در مجلس یکساعت در آن موضوع حرف می زنند تصور می کنم مقصود از شاهزاده محمد هاشم میرزا که اسم برده شد سلیمان میرزا بود چون پسر عموی در بنی است عیب ندارد یک روز اسممان اشتباه شود و بنده چون فکر میکنم در نظر ندارم روزی را که شاهزاده محمد هاشم میرزا یک ساعت در یک ماده صحبت کرده باشند و از این نقطه نظر تصور میکنم در اسم اشتباه شده است و قصد آقای رئیس الوزرا سلیمان میرزا بوده است نه محمد هاشم میرزا به جهت بنده یک قسمت عمده را در کمیسیون نطق حاضر بوده ام زیرا مبین هر صحبتی که در اطراف امتیاز نطق شمال میشود برهان قاطعی که از طرف دولت اظهار میشود این است که کمپانی همین را میخواهد و اگر بنا باشد غیر از این بشود باید با کمپانی مذاکره شود و پس از آنکه با کمپانی هم مذاکره کردند .

میگویند کمپانی باین ترتیب حاضر نشد و قبول نکرد در صورتیکه ما قانون مینوشتیم و کمپانی در بین نبود زیرا اگر کمپانی در بین بود ممکن بود بفرمایند کمپانی استندارد و یاسینکلر است و از این فراد معلوم میشود فقط و کلاً نامجرمند که بدانند با کدام کمپانی قرارداد بسته میشود والا رئیس دولت که میگوید کمپانی قبول نمیکند البته معلوم است و میدانند با کدام کمپانی مذاکره میکنند ما هم قانون مینویسیم دور قانون میگردیم ابتدا یک چیزی مینویسیم بعد با کمپانی مذاکره میکنیم هر طور را که او بهتر دانست بهمان ترتیب رفتار میکنیم .

بهر حال بنده عقیده ام این است در کمیسیون که این رئیس دولت حساستر میشود من حاضر نشوم و همیشه در دفتر احضار نوشته ام چون قوام السلطنه در کمیسیون است حاضر نمی شوم حالا اگر هم برخلاف وظیفه و کالتی رفتار کرده و حاضر نشده باشم بهر جهت این کار را

کردام . فرضاً هم در کمیسیون حاضر شده ام و پس از یک ساعت مذاکره انکشتم را بلند کردم آیا دیگر نباید در مجلس مذاکره کنم ؟

این ترتیبی را که قرارداد داده اند که ابتدایچه بکمیسیون رفته و در آنجا مطرح شود و بعد راپورت آن بمجلس بیاید و شور اول آن شده مجدداً بکمیسیون برگردد و باز در آنجا درش مذاکره شده و برای شور دوم بمجلس بیاید و باز در آن مذاکره شود برای چیست ؟ علت این که یک رای در شور اول و یک رای در شور دوم و یک رای در کلیات میگیرند چیست ؟ تمام این ترتیبات برای این است که اگر در طرف این مدت شخص وکیل تحقیقاتی کرد و پیاره مطالب را فهمید عقیده اش تغییر کرد بتواند عقیده اش را اظهار کند

موقعی که در کمیسیون مذاکره بشود امتیاز نطق چک و اسلاو که شاهزاده نصرت الدوله آن را ترجمه کرده اند هنوز ترجمه نشده بود حالا که من بآن مراجعه کردم عقیده ام با عقیده موقعی که آن امتیاز را ندیده بودم فرق کرد و مدتی هم بود که منتظر کترات نطق جنوب بودم تا اینکه پریروز پیدا کردم حالا اگر در شور دوم در هر یک از مواد یک ساعت حرف بزنم آنوقت باید بمن بگویند تو چرا

یک مرتبه در فلان ماده بطور موافق یا مخالف یک ساعت حرف زدی ؟ و امروز باز حرف میزنی ؟ این حرف را بچه چیز تفسیر کنم ؟

در صورتیکه اساس مشروطیت و اصول قانونگذاری در روی آزادی عقیده است عقیده عموم آزاد است مثلاً اگر من در شور اول در کلیات موافق بودم و بعد بواسطه ازدیاد اطلاع یا بواسطه تغییر کردن مواد در شور دوم مخالف شده و در هر دو صورت مدتی حرف بزنم باید بگویند چرا ؟ این مسئله را جز به تهدید عقیده به چه چیز می توان تعبیر نمود ؟

مسئله دیگری را که پریروز آقای رئیس الوزرا فرمودند و تقریباً پنج دقیقه قبل هم آقای آقا سید یعقوب اعتراضی فرمودند که چرا در صورت مجلس نوشته اند این بود که مطالب کمیسیون خارجه نباید در مجلس اظهار شود

(جمعی گفتند چنین نیست) سلیمان میرزا - چه عرض کنم این مطلبی بود که مخصوصاً ۵ دقیقه قبل هم آقای آقا سید یعقوب اعتراضی فرمودند چرا در صورت جلسه نوشته نشده است و مخصوصاً در صورت جلسه هم نوشته شد و یک سند رسمی شد آقای سید یعقوب - من باید در این باب توضیح بدهم سلیمان میرزا - می فرمائید من ساکت شوم آقای آقا سید یعقوب توضیح بدهند بعد

عریضم را عرض کنم نایب رئیس - ابتدا هم عرض کردم کسی که غایب است از طرف او اجتهاد کردن لزومی ندارد

سلیمان میرزا - بهر جهت یا عین این عبارت را رئیس الوزرا گفت یا در مجلس مذاکره شد به آن کار ندارم قصدم این است یک چنین مسئله آن هم نسبت به عریض من که رئیس کمیسیون خارجه هستم در مجلس سابقه نشود قانون اساسی بعموم و کلاء حق داده است که هر چه را بخیر و صلاح مملکت میدانند در آن حرف بزنند و در مجلس علنی آنرا بگویند محمد علی شاه و مظفرالدین شاه که مشروطیت را بماداند این مسئله را تصدیق و امضاء کرده اند و من هیچ وقت نمی توانم قبول کنم که وکیل حق نداشته باشد عقاید خود را آزادانه بیان کند و اگر اینطور باشد بهترین است که فاتحه راجع کنیم .

آزادی عقیده اولین حق ما است و هیچکس نمی تواند ما را از آن منع کند بلی مطالبی که باید در کمیسیون خارجه بماند مطالبی است که راجع سیاست خارجه است و مجلس استتار آن را لازم میدانند و الا سایر مطالب باید علنی گفته شود خصوصاً در مملکت ما که هیچ چیز در پرده نمی ماند بعلاوه مسئله نطق یک مسئله سیاسی است که لازم به استتار باشد و مسئله را که من عرض کردم بعقیده خودم به نفع مملکت نبود و باز هم تکرار میکنم که هیچ مسئله سیاست خارجی نبود اما آمدم در بقیه مسائلی که اینجا گفته شد که مخالف با اصول پارلمانی و مجلسی بود و بعقیده بنده اگر آقای رئیس الوزرا اشتباهی کرده باشند بخشی برایشان وارد نیست زیرا اغلب از وکلاء که شاید بعضی ها دوسه دوره هم هست که وکیل هستیم هنوز قانون اساسی و نظامنامه را حاضر - الذهن نیستیم آقای رئیس الوزرا هم بقدری اشتغال دارند که شاید کمتر میتوانند بقانون اساسی مراجعه کنند و از همین جهت است که غالباً لویجی که از طرف دولت بمجلس می آید یا تاریخ ندارد یا اسم شخصی را در آن نوشته اند حتی در موضوع قانون استخدام کاغذی از طرف یکی از وزارتخانه ها به مجلس نوشته شده بوده است که معاون اداری از آن کاغذ اطلاع نداشته است عیب ندارد اینجا اشتباه است !!! ولی تهدید به آزادی عقیده وکیل یک اشتباهی است که نمی توان از آن صرف نظر کرد تهدید کردن بعقیده وکیل بهم زدن اساس مشروطیت است همان کودتائی که ما از آن میترسیم و میگوئیم هر کس برخلاف ملت قیام و اقدام کند از تمام حقوق ملی محروم است همان کودتا با تمام معنی تهدید عقیده است . تهدید بعقیده یک نفر وکیل درین قانون اساسی است تهدید بعقیده وکیل آتش زدن تمام حقوق ملی است .

در مملکت مشروطه وقتی که یک نفر وکیل عقیده خودش را چه راجع به نطق چه راجع بسایر مسائل نتواند آزادانه بگوید باید از آن مشروطه صرف نظر کرد زیرا مشروطیت با این وضع در این مملکت معنی خارجی ندارد در مملکت مشروطه اولین حق آزادی عقیده است و وقتی که این حق را از ملت مخصوصاً از یک نفر وکیل گرفتند در آن ساعت نه مشروطیت و نه حقی برای ملت باقی مانده است آن ساعت است که اصول کیف مایشائی و تسلط جابر و اصول سلطنت غاصبه با تمام قوا عرض اندام کرده است اگر بنا باشد در مجلس تهدید بعقیده یک نفر وکیل بشود دیگر آن مجلس مجلس شورای ملی نخواهد بود آن مجلس مجلسی است که هر کس هر چه بگوید و کلاء بگویند بلی قربان در هر حال چیزی را که بنده روح آزادی و اول حق ملت میدانم اینست که عقیده ملت آزاد باشد در نقطه ای هم که از خودشان حکومت مجلسی ندارند مثل بمبئی (چون من فقط آنجا را دیده ام از این جهت آنجا را مثال میزنم) در آنجا هم عقایدشان آزاد است . در بمبئی مردم بحمایت عالم اسلام و کمیته خلاف نطقها میکردند در صورتی که با اسلامبول مشغول جنگ بودند با این حال با کمال آزادی نطق میکردند محمد علی و شوکت علی علناً حرف میزدند و در وسط بمبئی متینک میدادند و این آیه را میخواندند یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا الیهود والنصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فاولئک منهم آقا سید فاضل - آیه اینطور نیست آقا میرزا هاشم آشتیانی (من) ندارد .

سلیمان میرزا - اگر کم و زیاد خواندم آقای آقا سید فاضل اصلاح کند بنده فوراً استغفار میکنم بهر جهت این عرض که کردم راجع با آزادی عقیده بود و یک عده زیادی هم از انگلیس نژادها در اطراف آن جمعیت بودند و بهیچ وجه هم تعرض نمی کردند و می گفتند عقیده آزاد است و باید عقاید سیاسی را علناً بگویند در صورتیکه هنوز از خودشان مجلس ندارند و در طرف دیگر هم یک عده ایستاده بودند مردم را تشجیع میکردند که بروید سر باز شوید شاید یک عده از آنها هم میرفتند و در عراق عرب جنگ میکردند بهر صورت در مملکتی که اسمی هم از مشروطیت نبود بهیچ وجه از آزادی عقیده جلو گیری نمی کردند در صورتی که در آنجا هفده سال هم مشروطه بود خون ریزی هم نشده بود با این حال مرا می بردند که تماشا کنم و من وقتی که آن آزادی عقیده را میدیدم می - گفتم ای کاش منکه یک نفر وکیل هستم در مجلس این اندازه آزادی عقیده داشتم حالا هم آن ای کاش را میگویم در بمبئی از آزادی عقیده هیچکس مانع نمیکردند و آزادانه می نوشتند ولی وقتی که میخواستند داخل در

عملیات شوند آنها را میگردانند حبس می کردند و کما میگردانند حتی و کبل مدافع هم داشتند چنانچه بیچاره محمدعلی و شوکت علی قریب پنجمال است که حبس هستند ولی برای عمل نه برای اظهار عقیده و در همان حالی که محمد علی و شوکت علی و ابوالکلام راجب میگردانند هیچ کسی به خانه آنها تضرع نمی کردگان و مال و عیال آنها اکثر تضرع می نمودند

اقوام آنها را معض خاطر آنها از ادارات خارج نمی کردند ولی در این مملکت خود آقایان تصدیق بکنند آیا بومی آزادی عقیده می آید اگر یک بدبختی در خارج بگوید من این سیاست دولت را نمی پسندم باید فوراً حبس شود اگر یک روزنامه چنین چیزی را بنویسد باید برود از مطابع التزام بگیرند که دیگر روزنامه هائی که چنین مطالبی را می خواهند بنویسند طبع نکنند آقایان تامل بفرمایند که پس از هفتاد سال مشروطیت که چه خون هاریخته شده و چه زرد خوردها شده تازه آزادی عقیده این است که عقیده یکنفر و کبل تهدید شود همه ما و کلاسم خورده ایم که حقوق ملت را حفظ کنیم و این عرایض را که من امروز عرض میکنم از نقطه نظر حفظ حقوق حاکمه و قسمی است که در پیش این کرسی خطابه خورده ام آزادی عقیده در این مملکت هیچ وجه صورت خارجی ندارد

روزنامه نویسی ولو که برخلاف حکومت مقالات - دورا بنویسد باید او را معاذ که کند و الا قانون هیئت منصفه را کما بآن مجله گذرانیم برای چه بود اگر من نتوانم عقیده خود را اظهار کنم با طرفداران من در خارج نتوانم اظهار کنند

این چه آزادی است در بیستی که حکومت مشروطه وجود ندارد

آزادی عقیده خیلی بیشتر از این است در مملکت ما در صورتیکه شخص شخص اهلی حضرت همایونی که شخص اول مملکت هستند

زده برخلاف قانون اساسی حرکت نمی کنند همیشه در هر موقع چه در ایام فترت و چه در غیر فترت یادآوری فرمودند که من حافظ قانون اساسی هستم و آن معاهده هم که در کابینه و توفیق الدوله بر خلاف قانون اساسی میخواستند به بنده ایشان امضاء نکرده بودند و مخصوصاً در اروپا هم این مسئله را فرموده اند که من باید حافظ قانون اساسی باشم باین حال ایشان که اول شخص مملکت هستند اینطور حافظ قانون هستند

پس مملکت ما چرا باین روز است؟ ما و کلاهم که قسم خورده ایم عموماً حافظ حقوق و آزادی ملت باشیم. پس این آزادی کجاست که دست ما باین نمی رسد. مطبوعات را بدون معاذ که توقیف می کنند.

از آزادی عقیده جلوگیری میکنند و هر روز صدکار برخلاف قانون می شود و در حقیقت خلاف قانون یکی از کارهای عادی این مملکت شده است.

در جلسه گذشته حرف من و رفقای من این بود که فقط جزو دستور نشود و بودجه جمع و خرج مملکت جزء دستور شود زیرا که این ماله فقیر و این اعضاء بدبخت ادارات ما باید بدانند در سر شلغشان هستند یا نیستند.

در صورتیکه در اصل قضیه هم مخالف نبودیم بر فرض هم که در اصل قضیه مخالف بودیم بازو کبل آزاد است مجبور نیست و نیاستی باو تضرع نمود و اینکه در جلسه گذشته از طرف رئیس دولت اظهار شد که چون این امتیاز را موافق خیر و صلاح مملکت می دانستند پیشنهاد کرده اند. البته بنده هم این را تصدیق می کنم که اگر خیر و صلاح مملکت را در نظر نداشتند این پیشنهاد را نمی کردند.

ما هم همه موافق هستیم و می دانیم برای خیر و صلاح مملکت است ولی فصول و موادش باید اصلاح شود.

چنانچه عرض کردم همچنانکه من می خواهم عقیده ام آزاد باشد البته عقیده دولت هم آزاد و مقدس است ولو اینکه من مخالف باشم.

و همین طور عقیده بنده و عقیده مدیر فلان روزنامه و عقیده فلان رعیت و کارگر هم محترم و آزاد است و تنها حضرت اشرف رئیس دولت عقیده اش آزاد نیست همان طور که عقیده اومحترم است عقیده تمام اهالی مملکت محترم است چه برسد به کلاه وقتی که اعتبارنامه یک نفر و کبل گذشت نماینده تمام مملکت است.

مثلاً من که یک نفر ازو کلاهی تهران هستم و خود را نماینده صد هزار نفر اهالی تهران می دانم و باید خود را و کبل تمام ایران بدانم چطور شد عقیده بنده آزاد نیست.

اینجا بعضی کلمات فرمودند که اگر بعضی از رفقا جلوم را نگرته بودند می خواستم در همین جا با گوینده بامش طرف شوم و آن هم بامش بزند بسر من تادیگر در مجلس چنین چیزها گفته نشود که من قانون نفت را برای خیر و صلاح مملکت پیشنهاد کردم و آنها می که عقب می اندازند چنین نظری را ندارند و بعضی از روزنامه ها این قسمت اخیر را نوشته اند و این به عقیده بنده تهدید با آزادی عقیده یک نفر و کبل است و باید عقیده و کبل آزاد باشد.

اگر آنها بر صلاح مملکت گفته اند آنما و صدقنا البته در آتیه تاریخ و افکار عمومی قضاوت خواهد کرد و این کلماتی که ابراز شد یک تهدیدی بود بعقیده و کبل و حق بود شخص عصبانی بشود و بنده

خیلی میل دارم که آقایان و رفقای مجلس بگویند یک چنین چیزی گفته نشد آنوقت فترت مخصوصاً آقای و تون الدوله که ما محتاج به یک تلگرافی شدیم گفتند پیش خودشان است از ایشان خواستیم گفتند در کجاست و کجاست کجا است و آخر هم ندادند در صورتیکه سند مملکتی بود و همچنین سابقاً هم در وزارت پست و تلگراف بود در موقعی که خواستند تفسیر چند ماده را که ما به اختلاف بود بنمایند از وزارت تلگراف اسناد و تلگرافانی که در این موضوع عرضه بود خواستند جواب دادند ما در ظرف دوازده سال تمام این اسناد را می سوزانیم در صورتی که مرسوم نبود که اسناد یا تلگرافات را بسوزانند اگر آن کتابچه هم باین سوابق که عرض کردم سوخته باشد من چه میتوانم بگویم و چنانچه سایر تلگرافات مثل تلگراف نادر میرزا و غیره را کان لم یکن فرض کرده ام این را هم کان لم یکن فرض می کنم برای اینکه اسنادش در دست من نیست ولی تلگراف در کمیسیون قرائت شد و آقایانیکه در کمیسیون تشریف داشتند از این قرارند آقای مستوفی الملک رئیس کمیسیون که بر حسب معمول تشریف نمی آورده اند آقای حکیم الملک نایب رئیس آقای مشیرالدوله آقای نصرت الدوله آقای سردار معظم خراسانی و بنده و آقای مؤتمن السلطنه که حالا در عراق عرب هستند و مضمون تلگراف این بود که آقای علائی تلگراف کرده بودند که شوستر را استخدام میکنم که در مسئله نفت و سایر کارهای ماله با کمیانی مذاکره و اقدام نماید و در مقابل تقاضا نموده بودند پانزده هزار دلار باو داده شود و این پول بدون تصویب مجلس باداده شده البته همه ما موافقیم با استخدام شوستر ولی کسی نمی تواند این پول را بدون تصویب مجلس بدهد یا تصویب کند. و بعد از آن دولت یک تلگراف دیگر در جواب علائی کرده بود که مفاد آن در نظر نیست و علائی در تعقیب آن تلگراف کرده بودند که چون بعد از گذشتن امتیاز فقط لاقفل از ده الی ۱۵ میلیون استقرض خواهند شد در صورتیکه این استقرض صورت بگیرد و معمولاً یک کمیسیونی برای اینکار به بنده و هیئت دولت خواهند من حاضر از هم خود ۱۵ هزار دلار بشوستر بدهم و بعد مابقی را بهر ترتیب که میفرمائید تقدیم کنم. حالا صدیک یا صد سه بود کاری ندارم ولی در آنجا وقتی حساب کردیم این کمیسیون تقریباً سیصد هزار تومان شد آقای حکیم الملک پیشنهاد کردند که چون این مبلغ حق دلالتی است و یک پول فوق العاده است باید در بانک گذاشته شود که بمصارف معارف مدارس ابتدائی برسد چنانچه در عثمانی بجای صدیک یا صدیک

دقیق وزارت امور خارجه است که به بنده نخواهد داد و بواسطه سابقه که در زمان فترت مخصوصاً آقای و تون الدوله که ما محتاج به یک تلگرافی شدیم گفتند پیش خودشان است از ایشان خواستیم گفتند در کجاست و کجاست کجا است و آخر هم ندادند در صورتیکه سند مملکتی بود و همچنین سابقاً هم در وزارت پست و تلگراف بود در موقعی که خواستند تفسیر چند ماده را که ما به اختلاف بود بنمایند از وزارت تلگراف اسناد و تلگرافانی که در این موضوع عرضه بود خواستند جواب دادند ما در ظرف دوازده سال تمام این اسناد را می سوزانیم در صورتی که مرسوم نبود که اسناد یا تلگرافات را بسوزانند اگر آن کتابچه هم باین سوابق که عرض کردم سوخته باشد من چه میتوانم بگویم و چنانچه سایر تلگرافات مثل تلگراف نادر میرزا و غیره را کان لم یکن فرض کرده ام این را هم کان لم یکن فرض می کنم برای اینکه اسنادش در دست من نیست ولی تلگراف در کمیسیون قرائت شد و آقایانیکه در کمیسیون تشریف داشتند از این قرارند آقای مستوفی الملک رئیس کمیسیون که بر حسب معمول تشریف نمی آورده اند آقای حکیم الملک نایب رئیس آقای مشیرالدوله آقای نصرت الدوله آقای سردار معظم خراسانی و بنده و آقای مؤتمن السلطنه که حالا در عراق عرب هستند و مضمون تلگراف این بود که آقای علائی تلگراف کرده بودند که شوستر را استخدام میکنم که در مسئله نفت و سایر کارهای ماله با کمیانی مذاکره و اقدام نماید و در مقابل تقاضا نموده بودند پانزده هزار دلار باو داده شود و این پول بدون تصویب مجلس باداده شده البته همه ما موافقیم با استخدام شوستر ولی کسی نمی تواند این پول را بدون تصویب مجلس بدهد یا تصویب کند. و بعد از آن دولت یک تلگراف دیگر در جواب علائی کرده بود که مفاد آن در نظر نیست و علائی در تعقیب آن تلگراف کرده بودند که چون بعد از گذشتن امتیاز فقط لاقفل از ده الی ۱۵ میلیون استقرض خواهند شد در صورتیکه این استقرض صورت بگیرد و معمولاً یک کمیسیونی برای اینکار به بنده و هیئت دولت خواهند من حاضر از هم خود ۱۵ هزار دلار بشوستر بدهم و بعد مابقی را بهر ترتیب که میفرمائید تقدیم کنم. حالا صدیک یا صد سه بود کاری ندارم ولی در آنجا وقتی حساب کردیم این کمیسیون تقریباً سیصد هزار تومان شد آقای حکیم الملک پیشنهاد کردند که چون این مبلغ حق دلالتی است و یک پول فوق العاده است باید در بانک گذاشته شود که بمصارف معارف مدارس ابتدائی برسد چنانچه در عثمانی بجای صدیک یا صدیک

لیره حق داده بودند و او آن مبلغ را به صندوق کمیته ژان ترک داد و گفت چون من از دولت مواجب میگیرم این حق من نیست و باید بمصارف خیریه مملکت برسد.

ولی آقای رئیس الوزراء قانع نشده و جوابی دادند که حالا درست در نظر من نیست بالاخره آن شب گذشت و شب بعد گفتیم که رسماً پیشنهاد کنند فرمودند بعد در این باب قرار میگیریم بنده از آن احتیاطی که داشتم در عوض سیصد هزار تومان گفتم صد و پنجاه هزار تومان حالا اگر همه اینها اصل نداشته باشد اقرار پرورز ایشان را چکنم که فرمودند علائی تلگرافی کرده بود که صد یک باید بشوستر داد.

ولی چون شوستر بود من صد نیم گفتم بدهند.

(عدهای از نمایندگان - این طور نیست)

سلیمان میرزا - شاید من اشتباه کرده باشم ایشان فرمودند صد یک با صد نیم از یک میلیون دلار حالا اگر آقایان حساب فرمایند معلومی شود چقدر است تصور میکنم صدیک یک میلیون دلار ده هزار دلار می شود که ایشان اظهار اقرار فرمودند.

آقا سید یعقوب - این اتهام است.

سلیمان میرزا - آقای رئیس الوزراء یک کلمه می فرمایند تکذیب می کنم شاهام با یک کلمه بگوئید تهمت زدی.

دیروز روز سیاه مجلس بود امروز هم روز سبز باشد هر چه می خواهید بگوئید بنده بعقیده خودم یک راپورتی را عرض میکنم بعد آقایان بفرمایند تهمت زدی اشتباه کردی با کمال امتنان قبول می کنم حالا اگر آقایان اجازه می دهند بنده مذاکرات خود را بکنم و در کمیسیون هم مذاکره شده که در متمم لایحه امتیاز فقط در تحت یک ماده واحده لایحه قرض به مجلس خواهد آمد.

حالا آقایان یادداشت کنند اگر عری باقی ماند معلوم می شود که بعد از گذشتن امتیاز فقط لایحه قرض می آید یا خیر؟

در هر صورت اگر امروز بنده را تکذیب بکنند فردا صحت عرایضم معلوم می شود اهمیتی ندارد.

در هر صورت این صد یکی را که برای حق دلالتی معین کرده اند نرخ امروز که دلار پانزده قران است گویا یکصد و پنجاه هزار تومان میشود و اگر بگویند نرخ پانزده قران نیست ۱۲ قران است صدو بیست هزار تومان میشود فرضاً بعد از همه مذاکرات اگر همه عرایض من

هم که بگویند تو اشتباه کردی و کمتر از این میزان بود لااقل یک صد هزار تومان در میدان خواهد بود و بهترین دلیل برای این مسئله همان کلمه بود که آقای رئیس الوزراء گفتند که صدیک نبود و صد نیم بود بنده هم بقول آقای تدین برای اینکه با نزاکت باشد عرض میکنم قربانت میروم اکثریت حالا بقول خودشان صد و نیم باشد در آنکه حرفی نیست و برای یک میلیون دلار اگر صد نیم هم گرفته شده باشد پنجاه هزار دلار و اگر بتومان خودمان حساب کنیم تقریباً هشت هزار یا ده هزار تومان می شود.

آیا سزاوار است از ماله این مملکت که در نهایت فقر و فلاکت است بقول خودشان پنجاه هزار دلار خارج شود اینکه میفرمایند در کابینه ایشان قرض نشده صحیح است ولی حواله اش که در جیب ایشان بوده چه شده است آیا همانطور که جیب من سوراخ میشود دو هزار افتاده کم میشود از جیب آقای رئیس الوزراء هم آن حواله افتاده و کم شده.

(جمعی گفتند - در کابینه آقای قوام السلطنه قرض نشده)

سلیمان میرزا - بنده هم عرض نکردم در کابینه آقای قوام السلطنه قرض صورت گرفته بنده عرض کردم که ایشان خودشان فرمودند از این یک میلیون دلار که قرض کردیم پنجاه هزار دلار بحساب نیامده و کم شده است.

(از و کلاه - خیر همچو چیزی نگفته اند)

سلیمان میرزا - اگر هم نفرموده باشند کم شده است البته فرموده اند که بحساب نیامده در صورتیکه در این ورقه چاپی راضی بخرج چهل هزار تومان اعتبار هیجده هزار تومان حقوق شوستر قید شده ولی این پنج هزار دلار که تغییرش را بهر قسمتی بفرمایند هشت هزار تومان میشود معلوم نیست چه شده حال می فرمایند فراموش شده بنده هم حرفی ندارم بشرط آنکه این پنجاه هزار دلار هر جا هست گرفته شود و بخزانه مملکت بیاید شاه رچه بگوئید جفتش بدهید امروز یا روز گذشته مجلس را سیاه و سفید اسم بگذارید برای من فرق نمی کند وقتی ببینیم بسرمایه مملکت که مردمش از شدت فقر دارند می میرند صرفه جوئی میشود و با این حرف ها پنج هزار دلار پیدا می شود من این حرفها را میزنم که ما بقصد هزار دلار کم نشود و از قلم نیفتد و اگر کم شد و از قلم افتاد از جیب مردم بیرون برود و بصره و خیر مملکت صرف شود و گمان میکنم وظیفه هم این است که چون قسم خورده ام بخیر این مملکت حرف بزنم باید آن وظیفه را انجام دهم و اگر انجام دادم آنوقت هر چه بمن بگویند قبول میکنم بعد از همه مذاکرات اگر همه عرایض من

از روی غرض و دروغ بود در جلسه گذشته تصدیق شد که این پنجاه هزار دلار گرفته شده در هر صورت بنده این را پیدا کرده ام باید معلوم شود که این مبلغ نزد کدام وزیر است چون در مملکت ما آزادی عقیده نیست هیچکس نمیتواند حرفی بزند اگر هم بگوید فوراً میگویند برخلاف مصلحت و مصالح مملکت صحبت نمود پس یک چنین مملکتی علامه شرطه نیست یا اینکه اگر روزنامه نویسی بخواهد اظهار عقیده کند فوراً میروند از مطابع التزام میگیرند که آنرا طبع نکنند پس خوب است لفظ مشروطه را عوض کرده اسم دیگری برایش بگذارند.

وقتی که قانون اساسی گرفته شد ما نندیک شخصیکه پس از مردن هم عوایدش بوزنه میرسد و هم قرضش یک نوع تعهداتی بر ما وارد شده مثلاً ما هیچکدام امتیاز فقط جنوب را تصدیق نکرده ایم ولی چون دولت قبل از ما امتیاز داده باید او را محترم بشماریم و قبول کنیم پس وقتی هم که حکومت بعضرت اشرف میرسد باید در اعمال گذشته قبل از خود نظری کند اگر خلاف بوده است و اگر خلاف نبوده است تصدیق کند و یک رئیس الوزرائی نمیتواند بگویند من دوسه های کابینه مشیر الدوله و قوام السلطنه را بستم و دیگر باور جوع نخواهم کرد.

خیر اینطور نیست تمام مسئولیت های دولت سابق بدولت لاحق میرسد باید صورت تمام مسائل را بخواهند و معلوم کنند تا واضح شود پنجاه اردلاری در کار بوده است ولی گوش بنده نمیتواند بشنود که این پنجاه هزار دلار مفقود شده است زیرا بنده در مقابل قسمیکه خورده ام خود را مسئول میدانم و مادامیکه من نفهمم این پول چه شده وظیفه دارم در مجلس مسئله را عنوان کنم زیرا این مان موکلین من است بین ماهی دو بیست تومان می دهند که در ماله آنها نظارت کنم و اینجا بگویم آن پنجاه هزار دلار چه شده است مثلاً یک قانونی گذشته و آن روز هم با شاهزاده نصرت الدوله و آقای سهام السلطان مذاکره کردیم که بموجب آن قانون حق ندارند در وجه اعتبار حقوق شخصی بکسی بدهند با این ترتیب این صورت حسابیکه چاپ شده و پیش کلاه است ملاحظه بفرمائید که چه پولهای بنامون مختلفه باسم سوارو غیره که برخلاف صریح قانون است ازوجه اعتبار داده شده مثلاً بسوار بختیاری سوار حکومت گیلان و مجوسین کرمان آقا سیدفاضل - میگویند مجوسین از گرسنگی بمیرند - سلیمان میرزا - عرض کردم این مخارج جزء بودجه است نه جزء اعتبار مثلاً فلانقدر پول بشاهزاده نادر میرزا داده شده او که از گرسنگی نمیرد !! با اینکه او از کسان من است ولی چون من و کبل مردم هستم قسم خورده ام باید بخیر و صلاح مردم و موکلین

خودم حرف بزنم حالا اگر بستگان من از من میرنجند برنجند یا خود او گله گذاری میکنند بکنند من بوظیفه خودم عمل میکنم.

غرض این است حقوقات باید در بودجه منظور شود نه ازوجه اعتبار داده شود و بر طبق قانون هم رأی داده ایم که وجه اعتبار نباید صرف حقوق اشخاص شود باینوصاف مخصوصاً اینجا قید شده حقوق انتظار خدمت نادر میرزا هزار تومان یا حقوق سوار بختیاری و غیره و همینطور حقوق ورثه قرا باقیاق

خلاصه این چهل هزار تومان که برای مصرف ضروری موکلین ما است صرف حقوقات شخصی شده حالا اگر اینها که عرض کردم خلاف است بگویند خلاف است اگر خیانت است بگویند خیانت است معلوم می شود صندوق ماله بسورخا هائی دارد که بکمرته پنجاه هزار دلار کم میشود و یک پولهای از آن صرف مخارج اشخاص میشود و حسابش معلوم نیست نه تنها صندوق وزارت ماله سوراخ دارد بلکه صندوق سایر وزارتخانه ها هم همین سوراخها را دارد مثلاً وزارت فوائد عامه از محل عایدات رهنی اضافه مواجب باشخاص میدهد و هر چه هم گفته می شود که این عایدات رهنی است میگویند هنوز بودجه آن در مجلس نگذشته است.

آخر این قرض را مردم بدبخت باید بدهند و آن رعیتی که از صبح تاغروب عرق ریخته و از گرسنگی در زیر شکنجه و شلاق همین نامورینیکه آقای تدین شرح دادند میباید باید بدهد (وقتی هم که راجع باین مأمورین سؤال میشود جواب میدهند گمان نمیکند نظیمه طهران اینطور باشد که چه اوضاع سایر ایالات هم همینطور است و یا اینکه من و کبل طهران هستم در عین حال و کبل ایالات و ولایات هم هستم و حق دارم راجع ببنافع آنجا هم حرف بزنم ولی عجلتاً بنده راجع بطهران عرض میکنم (بعضی از نمایندگان - راجع بولایات هم بفرمائید ولی مشروط بر اینکه عملی باشد)

سلیمان میرزا - شاید بنده عملی نیستم ولی عقیده ام این است و هنوز این از روی عقیده از من سلب نشده است غرض این است همانطور که میخواهم نظیمه طهران مرتب باشد باید سعی کرد که نظیمه تبریز عراق و کاشان و غیره هم منظم باشد.

آقا سید محمد تقی طباطبائی - در خصوص نظیمه تبریز توضیحات باید داده شود

نایب رئیس - آقایان از وظیفه خودشان خارج می شوند در وسط نطق کسی نباید حرف زد.

سلیمان میرزا - البته آقای آقا سید محمد تقی آقا در خصوص نظیمه تبریز اطلاعاتشان از من زیاد تر است در هر حال اگر فرمایشاتی میخواهد بفرمایند مانعی ندارد همانطور که

من وقت آقایان را اشغال میکند ایشان هم بنوبه خود اوقات آقایان را اشغال فرمایند و بعد از من هر چه میخواهند بگویند مختارند در هر حال بنده باز عریض خود را تکرار می کنم و آقایان اگر مطالبی دارند بمندرم مطالب خودشان را بفرمایند ولی مشروط باینکه آنکه این کلمه نکنند که تو گفتمی ۱۵۰ هزار دلار در صورتیکه نصف آن مبلغ است در هر حال بیشتر یا کمتر هر چه هست دیروز ۵ هزار دلار آن تصدیق شد وقتی دلای ۱۰ میلیون دلار پنج هزار دلار باشد حق دلای ۱۰ میلیون دلار ۵۰ هزار دلار می شود در صورتیکه نصف آن مبلغ است و این ۵۰ هزار دلار را اگر با نرخ امروز حساب فرمایند ۸۰ هزار تومان میشود اگر من اشتباه کرده ام آقایان متذکر میگردم که عرض کنم در قضایای که فرمودند و فرضیاتی که کردند ممکن است چندین میلیون بمعارف مملکت صرفه برسد چون فرضیات و تصورات حدیقی ندارد من هم در عالم خیال فرض میکنم دوهزار میلیارد فرض کرده و فلا تفرش را خرج معارف مملکت کرده ایم و همین طور که ایشان از فرض خودشان خوشوقتند من هم در تصور خودم مسرورم اما آن قسمتی را که راجع بدولت فرمودند من چون حق دفاع ندارم چیزی عرض نمیکنم ولی در بین اعتراضات خودشان شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند آزادی عیده نیست من خیلی از این کلمه نگرانم و بر ما گران است چنین حرفی را بشنوم البته هر کس در اظهار عقیده سیاسی خودش آزاد است و این آزادی انحصار بوکیل و وزیر ندارد و آن اظهاری که آقای رئیس الوزراء فرمودند از همین راه بود لیکن بعد بود یک دیگر تجارز نباید کرد و اگر بنا باشد معنی آزادی عقیده این باشد که هر کس هر چه میل دارد اجرا شود البته در هندوستان هم که باشد انسان راجس و تنبیه می کنند چنانچه بطوریکه فرمودند شوکت علی و محمد علی را حبس کردند آزادی عقیده تا جایی است که بعد بود دیگران تجاوز ننموده و ضرری نرسانند شاید در آتیه آنطوریکه حضرت والا فرمودند بشود ولی عجالتاً مقتضیات مملکت ما اجازه نمیده اما راجع بکمسیون خارج با اینکه میل ندارم این عبارت را تکرار کنم ولی چون چهارده سال گذشته عرض میکنم در موقعی که آقای تقی زاده در تهران تشریف داشتند راجع بیک مطلبی که در کمسیون خارج بود یک سوالی از ایشان کردم فرمودند اطلاع شما لازم نیست بنده عرض کردم و کالت بقول منطقیین نسبت به افراد مساوی است نه اینکه مشکک باشد که یکی احق باشد و بالاتر دیگری پائین تر تمام و کلا حق ندارند از مطالب مطلع باشند و آنوقت آقای مؤتمن الملک هم در

بوم اجازه خواسته بودم نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا .
(اجازه)
محمد هاشم میرزا - بنده خیلی میل داشتم که در پیشنهادهای خودم مفصل صحبت کنم ولی یکی نظامنامه از من جلوگیری می کند و دیگر اینکه مطالبی که در خارج آقای آقا سید حسن خان اظهار داشتند که خوب است جلسات مجلس را بعد نمایندگان تقسیم کنیم که هر روز یک نفر از آقایان و کلاء صحبت کنند که بعد از سه ماه یک مرتبه اقلان نوبت حرف زدن بمن برسد بنظرم رسید و چون این مطلب را فرموده اند ناچارم عریض خود را بطور اجمال عرض کنم در قضایای که فرمودند و فرضیاتی که کردند ممکن است چندین میلیون بمعارف مملکت صرفه برسد چون فرضیات و تصورات حدیقی ندارد من هم در عالم خیال فرض میکنم دوهزار میلیارد فرض کرده و فلا تفرش را خرج معارف مملکت کرده ایم و همین طور که ایشان از فرض خودشان خوشوقتند من هم در تصور خودم مسرورم اما آن قسمتی را که راجع بدولت فرمودند من چون حق دفاع ندارم چیزی عرض نمیکنم ولی در بین اعتراضات خودشان شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند آزادی عیده نیست من خیلی از این کلمه نگرانم و بر ما گران است چنین حرفی را بشنوم البته هر کس در اظهار عقیده سیاسی خودش آزاد است و این آزادی انحصار بوکیل و وزیر ندارد و آن اظهاری که آقای رئیس الوزراء فرمودند از همین راه بود لیکن بعد بود یک دیگر تجارز نباید کرد و اگر بنا باشد معنی آزادی عقیده این باشد که هر کس هر چه میل دارد اجرا شود البته در هندوستان هم که باشد انسان راجس و تنبیه می کنند چنانچه بطوریکه فرمودند شوکت علی و محمد علی را حبس کردند آزادی عقیده تا جایی است که بعد بود دیگران تجاوز ننموده و ضرری نرسانند شاید در آتیه آنطوریکه حضرت والا فرمودند بشود ولی عجالتاً مقتضیات مملکت ما اجازه نمیده اما راجع بکمسیون خارج با اینکه میل ندارم این عبارت را تکرار کنم ولی چون چهارده سال گذشته عرض میکنم در موقعی که آقای تقی زاده در تهران تشریف داشتند راجع بیک مطلبی که در کمسیون خارج بود یک سوالی از ایشان کردم فرمودند اطلاع شما لازم نیست بنده عرض کردم و کالت بقول منطقیین نسبت به افراد مساوی است نه اینکه مشکک باشد که یکی احق باشد و بالاتر دیگری پائین تر تمام و کلا حق ندارند از مطالب مطلع باشند و آنوقت آقای مؤتمن الملک هم در

مجلس عضویت داشتند در هر صورت ایشان هم عذر خواستند و مطلب گذشت ولی چون این مطلبی که گفته شد راجع بچند ماه قبل است باید زودتر اقدام کرد و نتیجه گرفت فرمودند که آقای رئیس الوزراء فرمودند که من مطلع نیستم در هر حال من منکر این قضایا اینطور بماند زیرا وقتی مطالب تمام شد چاره تحقیق آن قدری مشکل است در مسئله نفت هم چون بنده در کمسیون عضو بودم در این دو ماه اخیر که این مسائل مطرح شد از طرف شخص خودم حق دارم مذاکراتی بکنم زیرا این روزنامه صحه در خارج طرفدار عقاید مختلفه هستند و اشخاصی هستند که شاید نظریاتشان صحیح نباشد ممکن است در خارج بکتهائش بزنند .
کمسیون نفت که یکی از اعضاء آن بنده بودم باینکه در کلیات موافق بودم ولی قریب بیست و چهار ایراد نسبت بمواد اظهار داشتیم که شانزده هفتدهای آن اصلاح شد و بقیه آن هنوز مانده است که چون در کمسیون در اقلیت ماندم ناچارم در مجلس عرض کنم .
شاهزاده سلیمان میرزا در آن اوقات ناخوش بودند و وقتی هم که تشریف آوردند نظر ندارم فرمایشاتی فرموده باشند یا همانطور که فرمودند بعد از آن که امتیاز چک اسلاو چاپ شد و بنظر ایشان رسید نظریه شان تغییر کرد .
و چون مطلب باید حل شود عرض می کنم که از یک تلگرافی که راجع به صدور پنجاه هزار دلار اسام برده شد باید آن تلگراف به مجلس بیاید و خوانده شود تا این مطلب قطع و مکشوف شود و تلگراف کننده و آن کسیکه تصدیق میکند گرفته باید معلوم شود و الا اگر بنا باشد یک مسئله باین بزرگی اینطور باشد خوب نیست و بعد از مدت ها که خواسته ایم یک امتیازی بدهیم اگر بنا شود همه روزه این صحبتها را بکنیم و یا از یکدیگر مدافعه کنیم برای آتیه ما خوب نیست .
حالا به آتیه کار ندارم و به هیئت دولت کار ندارم بقدر حق نمایندگان و عضویت خودم در کمسیون نفت که مقترع بودم باین خدمت و عضویت منتخب شوم و دو ماه تمام تا ساعت شش و هفت مشغول کار بوده ایم و همچنین از نظر حیثیات مجلس و کمسیون و دولت حق دارم تقاضا کنم که آن تلگراف در مجلس خوانده شود اگر هم چیزی نیست خوب است تکذیب شود اگر هم هست تکلیفش معین شود .
چون آنروز که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند آن تلگراف در کمسیون خارج است من منتظر بودم تشریف می برند و از کمسیون می آورند ولی بعد که فرمودند در آنجا نیست لهذا بنده این پیشنهاد را کردم که در هر جا هست آورده شود .

اما اینکه فرمودند اسناد و اوراق در تلگراف خانه از بین می رود تا اینکه راجع به تلگرافخانه در چند سال قبل از مجلس گذشته حاکی است که اداره مزبور بیش از دوازده سال ضامن اسناد مردم را بمسوزاند از یک مدت معینی اسناد مردم را بمسوزاند ولی البته آن اسنادی که راجع بدولت و اسرار اداره است باید مصون و محفوظ بماند ولی این مسئله متعلق به سال گذشته است و البته تلگرافی که باسم کمیانی مغایره شده است فرضاً که نباشد ممکن است استخراج کرد و معطلی ندارد ولی حرف زدن در اطراف این قضیه چندان فایده ندارد زیرا یکدسته عقاید ایشان را تصدیق میکند دسته دیگر بالعکس و باین ترتیب نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد
این است که استدعا دارم این تلگراف مرا به پذیرید که تلگراف خوانده شود . ما میخواهیم در امتیازات خودمان را بروی دنیا باز کنیم و امتیازاتی که مضرات سیاسی نداشته باشد بدهیم و اگر بنا باشد این اولین امتیازی را که ما می خواهیم بدهیم پس از یکسال و نیم صرف وقت اینگونه مذاکرات در افزایش بشود و همین طور لاینجل بماند دیگر تکلیف سایر کارها معلوم است باین لحاظ بود که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم .
نایب رئیس - آقای ارباب هم در این باب حرفی دارند .
ارباب کیخسرو - بلی نایب رئیس - بفرمائید ارباب کیخسرو - در آن جلسه که شاهزاده سلیمان میرزا مسئله یکصد و پنجاه هزار دلار را فرمودند بنده خواستم تقاضا کنم که آن تلگراف بمجلس بیاید ولی باتوضیحاتی که امروز حضرت والا دارند مطلب قدری کشف شده معلوم شد موضوع موضوع استقرض بوده و ربطی بمسئله امتیاز نفت نداشته است چنانچه خود حضرت والا هم تصدیق کردند کمسیون نمت دو تا بوده یکده رانمین کردند که باینکار رسیدگی کند و در آن کمسیونها خود بنده عضویت داشتم و در موضوع ده میلیون هم بنده طرف شدم و صریحاً گفتم امتیازی که در تحت تهدید بخواهد بگذرد بنده برای غرضوت آن کمسیون حاضر نخواهم بود و بهمین دلیل بنده دیگر حاضر نشدم . در کمسیون ثانوی که معین شد موضوع پنج میلیون ده میلیون در کار نبوده فقط دو مسئله بود که مورد اشکال بود یکی اینکه دکتور میسویچون ورود بهتران کرده بود چنانچه در دفعات قبل هم عرض شد جاب نظریه او را هم لازم شمردیم یکی دیگر مسئله صد شانزده خالص بود . خلاصه مقصود عرض بنده این است که اینجا اشتباه نشود که یک تلگرافی بوده و چیزی در آن بوده که همه و کلاء مطلع بودند و فقط در آنجا نیست لهذا بنده این پیشنهاد را کردم که در هر جا هست آورده شود .

سابقاً بهیچوجه مطلع نبودم (بعضی از نمایندگان - ما هم خبر نداشتم)
ارباب کیخسرو - ثانیه موضوع موضوع استقرض بوده و راجع بامتیاز نبوده است در قسمت ثالث که شکل تذراف چه بوده و آیا واقعا پولی در کار بوده و یا وعده داده شده که باید بین اشخاص تقسیم شود در آن باب عجالتاً هر چه عرض کنم بمنزله تعبیر خواب ندیده است . این است همانطور که حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند خوب است آن تلگراف در مجلس آمده و قرائت شود تا رفع بعضی سوء تفاهات شود
نایب رئیس - اختیار با آقایان است ولی عرض میکنم بعد از این بیانات که اگر فرض شود یک صد میلیون گرفته می شود و آن صدونیم چه میشود دیگر آن تلگراف بمجلس بیاید و در آن رأی گرفته شود بنده نمی دانم چه صورتی خواهد داشت و با وجود اینکه شاهزاده سلیمان میرزا گفتند مسئله راجع بقرض مقصود بنده از این پیشنهاد از نقطه نظر علاقه مندی بدولت نبود از نقطه نظر این بود که در کمسیون نفت عضویت داشتم و چنین تلگرافی را ندیده ام که بتوانم مطالب را تصدیق یازد کنم این است که علاقه مندمستم تلگراف به مجلس بیاید و قرائت شود تا میرزا است ولی چون در آن موقع وقت بمن نرسید این است که حالا عرض میکنم و بنده مخالفم با عبارت این پیشنهاد اگر عبارت را تغییر بدهند اعتراض آقای مدرس وارد نیست و ممکن است در آن رأی گرفت زیرا مسئله را که فرمودند راجع بنفط نبوده صد و پنجاه هزار دلاری هم در بین نبوده حکایت آن شخصی است که گفت امامزاده را سر کوهی رو براهی یاره کرده بعد معلوم شد امامزاده نبوده و این غیر زاده بوده و سر کوه نبوده و ته چاه بوده آنهم رو براه نبوده کرک بوده و بالاخره اصل قضیه هم دروغ بوده است . خود مرد محترم در پشت تریبون قضایا را گفته باز شما پیشنهاد می کنید که باین امر رسیدگی شود در صورتیکه دو مرتبه شاهزاده سلیمان میرزا شرح داد و گفت راجع پنج هزار دلار کمسیون استقرض بوده که در بحران بین دو کابینه گرفته شده است البته استقرضاتی که در تمام دنیا میشود یک کمسیون داده میشود و در هر جای دنیا حق الزحمه می دهند چنانچه خودشان هم فرمودند بوزیر عثمانی هم صد هزار لیره داده اند و او هم بکمبته زان ترک داد و این حق دلالتی یک حق مشروعی است و در همه جا معمول است و میدهند حالا در مملکت ما هم در بین دو کابینه در موقعی که الوار و کرا دهجوم کرده بودند و برای نجات وطنشان پول میخواستیم مجلس تصویب کرد که پول قرض کنند و یک میلیون دلار قرض شد و برای استخلاص یک قسمت مملکت صرف شد

بلاوه اگر کمسیون می داده شده در کابینه قوام السلطنه نبوده است در موقع بحران بوده است تحقیق کنید به بیند دلایلش چه شده و آن تلگرافی هم که مربوط باصل این کمسیون و حق الزحمه بوده است باید بیاید در مجلس نامعلوم شود و یک دولت و یک جمعی که حامی آن دولت هستند تیرته شوند البته اگر خوانده شود بهتر است و الا این ترتیب که در این پیشنهاد نوشته شده است راجع به صد و پنجاه هزار دلار است و چون این مسئله اقرار شد و توضیح شد که مربوط به مسئله استقرض بوده دیگر محتاج بمذاکره نیست .
نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
محمد هاشم میرزا - دیروز در مجلس رسمی این مطلب گفته شد و بعد آقای رئیس الوزراء تکذیب کردند و امروز هم آقای سلیمان میرزا طور دیگر اظهار داشتند مقصود بنده از این پیشنهاد از نقطه نظر علاقه مندی بدولت نبود از نقطه نظر این بود که در کمسیون نفت عضویت داشتم و چنین تلگرافی را ندیده ام که بتوانم مطالب را تصدیق یازد کنم این است که علاقه مندمستم تلگراف به مجلس بیاید و قرائت شود تا میرزا است ولی چون در آن موقع وقت بمن نرسید این است که حالا عرض میکنم و بنده مخالفم با عبارت این پیشنهاد اگر عبارت را تغییر بدهند اعتراض آقای مدرس وارد نیست و ممکن است در آن رأی گرفت زیرا مسئله را که فرمودند راجع بنفط نبوده صد و پنجاه هزار دلاری هم در بین نبوده حکایت آن شخصی است که گفت امامزاده را سر کوهی رو براهی یاره کرده بعد معلوم شد امامزاده نبوده و این غیر زاده بوده و سر کوه نبوده و ته چاه بوده آنهم رو براه نبوده کرک بوده و بالاخره اصل قضیه هم دروغ بوده است . خود مرد محترم در پشت تریبون قضایا را گفته باز شما پیشنهاد می کنید که باین امر رسیدگی شود در صورتیکه دو مرتبه شاهزاده سلیمان میرزا شرح داد و گفت راجع پنج هزار دلار کمسیون استقرض بوده که در بحران بین دو کابینه گرفته شده است البته استقرضاتی که در تمام دنیا میشود یک کمسیون داده میشود و در هر جای دنیا حق الزحمه می دهند چنانچه خودشان هم فرمودند بوزیر عثمانی هم صد هزار لیره داده اند و او هم بکمبته زان ترک داد و این حق دلالتی یک حق مشروعی است و در همه جا معمول است و میدهند حالا در مملکت ما هم در بین دو کابینه در موقعی که الوار و کرا دهجوم کرده بودند و برای نجات وطنشان پول میخواستیم مجلس تصویب کرد که پول قرض کنند و یک میلیون دلار قرض شد و برای استخلاص یک قسمت مملکت صرف شد

است و موضوعی را که بنده گفتم نه کرک داشت و نه رو براه و نه امامزاده و نه من تکذیب کردم
در آن وقت هم نگفتم که آقای قوام السلطنه پولها را شمردند ریختند جیبشان عرض کردم اگر این مسئله نفت بگذرد این مبلغ از بابت دلالتی استفاده خواهد شد برای اینکه بعد از گذشتن امتیاز نفت متعاقب آن قرض است استفاده دولت هم از این قرض است و تلگراف هم راجع بحق دلالتی آن است پس نفت و قرض لازم موزوم یکدیگر است و بنده با عبارت پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا مخالفم زیرا این پیشنهاد وقتی تصویب شد و بنا شد آن تلگراف بیاید از هیئت وزراء جواب می دهند که چنین تلگرافی نیست آنوقت همین طور که از حالا برای بعضی از آقایان سوء تفاهم شده و می گویند آن شخص معترم تکذیب کرد باز هم اشتباه میشود خیر آن شخص محترم تکذیب نکرد باز هم میگوید آن تلگراف هست و از برای استقرضی است که متعاقب فقط است
نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله .
(اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده چنانچه بکرات عرض کرده ام یک آدمی نیستم که بخواهم خارج از نزاکت چیزی عرض کنم ولی عقیده خودم را عرض میکنم که خیلی متأسفم از وضعیت مجلس چرا ؟ زیرا دو روز است وضعیت مجلس این است که می بینم مذاکره در موضوعی است که اگر کابینه صحت نداشته است بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که تلگراف بیاید و شاهزاده سلیمان میرزا بفرمایند اشتباه کردم و یا قوام السلطنه تکذیب خود را پیش بگیرند و الا در مجلس یک صحبتی بشود و وقت مهمی مصرف شود و بعد مسکوت بمسند و حقایق معلوم نمیشود . پس باید این تلگراف اگر خوب است بدست سعادت است شقاوت است هر چه هست باید بیاید بمجلس خوانده شود و بنده با صدای بلند عرض میکنم که برای کشف حقیقت باید در این پیشنهاد رأی گرفته شود .
نایب رئیس - مقصود این است که تطبیق بانظامنامه شود شما اگر پیشنهادتان این است که اصل تلگراف خوانده شود بطوری که گویند توضیح دادند زمینه تغییر کرده و مورد اشکال میشود
سلیمان میرزا - بنده بسایه توضیح بدهم
نایب رئیس - بفرمائید اما توضیح باشد
سلیمان میرزا - انشاء الله توضیح است مطلبی که دیروز اینجا گفته شد باز هم میگویم . راجع به نفت مجلس دولت قریب صد و پنجاه هزار دلار استفاده کرده است و تلگرافی هم در این موضوع خوانده شده

کنم این مذاکرات راجع بدلالتی و دلار ختم شود اگر آقایان نسبت بکابینه مخالفند مطابق نظامنامه و ترتیب اصول مشروطه دنیا ورقه آبی خود را بدهند تا کابینه برود و یک کابینه دیگری بیآورند و در این آخر دوره وقت مجلس را برای این مذاکرات معطل نکنند و کار های مهمی که هست تعقیب کنند این نظریات و عقیده است که از طرف خودم عرض می کنم و هیچ نظر جمعیتی هم ندارم و ما نباید بگذاریم در آخر هر دوره گرفتار یک بلایائی بشویم و بدست خودمان مجلس بسته شود و سزاوار نیست که در این آخر جلسه وضعیت مجلس اینطور باشد مدتی است که هیچ قانونی از مجلس نمیکند و یک مذاکرات موافق و مخالفی دوام پیدا کرده است این است که تقاضا میکنم آقایان داخل شوند در اصل قضیه و اصل قضیه هم این نیست خود شاهزاده سلیمان میرزا میدانند قوام السلطنه پول نگرفته است .
پس مطلب راجع باساس کابینه است حالا اگر اکثریت دارند بگویند کابینه برود و یک کابینه دیگری بیآورند و اگر اکثریت ندارند به نشینند و توافق نظر حاصل کنند و کابینه را ببرند و کابینه دیگری بیاید و الا اگر مجلس باین ترتیب بماند بنده که سهل است تصور میکنم یک جمع دیگری هم از مجلس کناره گیری کنند
نایب رئیس - با وجود اظهارات حاج شیخ اسدالله گمان دارم پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا موهوم اندر موهوم است پس اگر آقایان موافقت جلسه را ختم کنیم معاون وزارت داخله - گویا در جلسه گذشته که آقای تدین یک مذاکراتی راجع بقضیه که در نظمیه واقع شده بود فرموده اند قبل از اینکه این مسئله را در مجلس صحبت بفرمایند در چندی قبل در اطاق تنفس باینده مذاکره کردند و چون اطلاع نداشتم گفتم تحقیق کرده جواب میدهم بعد بنده معاون نظمیه را خواستم و مخصوصاً تأکید کردم که تحقیق کنند و راپورت بدهند و راپورتی را که بمن دادند باقی تدین دادم ملاحظه فرمودند این مطلب راجع بقضیه یک سرقتی بوده که راپورت داده بودند این زنها هم در آن قضیه دخیل بوده اند و مأمورین تأمینات تعقیب کرده و اموال مسروقه را کشف کرده اند ولی من در این قسمت را کشف کرده ام و باینکه مأمورین تأمینات در ضمن استنطاق یکی از اینهارا که اقرار نمیکرده است مورد تعقیب قرار داده و کتک زده اند بطوریکه حمل و اسقط شده چون راپورت خود نظمیه در این باب کافی نبوده و احتمال معرفت که مأمورین تأمینات که خودشان مرتکب هستند در این قضیه اعتراف نکنند بنده دستور داده ام اقداماتی شود از طرف خود ضعیفه هم اقداماتی شده و دستور العمل دادم دوسیه که حاضر شد چون قضیه جنائی است بعدی العمومی حاله

شود که آنجا رسیدگی شود و از قراریکه امروز اطلاع حاصل کرده‌ام دوسیه مدعی- العموم رفته و البته باید تا کید شود که قضیه را در آنجا تمام کنند و حکم بدهند چون مسلم است که مأمورین تأمینات در قضایای سرقت با آن وسایل قانونیکه هست وظیفه دارند امر را تعقیب کنند و مطلب را کشف نمایند و حق دارند تا میزان معینی حبس کنند ولی حق اینطور شکنجه و مضیقه‌ها را ندارند و البته اگر قضیه اینطور باشد و ثابت شود اشخاصیکه مرتکب این تقصیر شده‌اند هر آس باشد باید مطابق قانون مجازات شود

نایب رئیس - رأی می‌گیریم بکفایت مذاکرات راجع به پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده می‌خواستم يك اصل مسامی را عرض کنم و آن این است که قصد معصیت عقاب آور نیست این مطالبی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند گمان میکنم يك مطالب خیالی است و مصداقی ندارد و با خیال نمیشود گفت که اگر در آتیه قضیه واقع شود من حالا تو را عقاب میکنم زیرا قضیه‌های فرضی نتیجه‌اش هم فرضی است و من وقت مجلس را مهم‌تر از این میدانم که صرف يك قضایای تصویری و فرضی بشود اگر انسان بخواهد وارد خیال بشود و بخیال خوشوقت شود بنده خیالات بالاثر میکنم .

ایشان صد هزار دلار فرمودند بنده صد میلیارد میکنیم ولی وجود فرضی اثر فرضی دارد و نمیشود بر وجود فرضیات آثار قطعی داد و بنده با این پیشنهاد مخالفم و گمان می‌کنم که حقیقتاً اگر جریان محل باین منوال بگذرد خطسه بزرگی بما وارد خواهد آمد لهذا نسبت بخودم با این وضعیات جاریه نهایت تأسف و تألم را دارم و می‌بینیم که بدست خودمان یا مستقیم یا غیر مستقیم می‌خواهیم کاری بکنیم که خدای نخواسته نظیر چیزیکه در دوره سوم به مجلس وارد شده بود ولی امیدوارم که آقایان اهتمام کرده منجم شرکت کنم که این رویه را تغییر بدهم نایب رئیس - چون عده برای مذاکره کافی نیست بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

جلسه ۲۰۸

صورت مشروح مجلس یوم

یکشنبه بیست و سوم جدی

۱۳۰۱ برابر ۲۵ جمادی -

الاولی ۱۳۴۱